

بسم الله الرحمن الرحيم!

## انقلاب شام و زدودن خباثت از آن

(ترجمه)

واقعیت انقلاب به این معنا است که تغییر سیاسی در داخل دولت ایجاد گردد؛ پس معنای انقلاب به تغییر شمولی خلاصه گردیده و عناصر اساسی که این تغییر شامل آن می‌گردد؛ عبارت از: فکر، نظام، دستگاه‌ها و چهره‌ها می‌باشند. اگر تغییر، تنها افراد را شامل گردد؛ بناءً آن خیزش نه؛ بلکه یک انقلاب محسوب می‌گردد و به سطح خیزش نمی‌رسد.

تغییر عناصر چهارگانه چیزی است که در همه انقلاب‌های مشهور در تاریخ جهان ایجاد گردیده است؛ مانند: انقلاب فرانسه که پادشاهی را با عناصر چهارگانه آن، فکر، نظام، دستگاه‌ها و اشخاص از بین بردند و در رأس آن لوی شانزدهم را که آخرین پادشاه فرانسه بود، به تاریخ ۱۷۹۳/ ۱/۲۱ در پاریس پایتخت فرانسه اعدام کردند. انقلاب بلشویک‌ها که نظام فیودالیزم را در روسیه از بین بردند و نظام کمونیسم جدید را با دستگاه‌ها و افراد جدید به میان آوردند. انقلاب امریکا که منجر به ختم حاکمیت انگلستان استعمارگر با همه افکار، شخصیت‌ها و متعلقات آن گردید و دولتی قدرتمندی را تشکیل داد که وسعت آن بین اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام را شامل می‌گردد.

بناءً، دولت‌ها لجوج‌ترین دشمن انقلاب هستند؛ زیرا اگر دولت‌ها انقلاب را بپذیرند؛ به این معنا است که به گونه اتوماتیک/خودکار مفکوره تغییر را پذیرفته‌اند و پذیرفتن فکر انقلاب؛ یعنی حتمی بودن تغییر اساسی در داخل دولت و این چیزی است که پذیرفتن آن از جانب دولت‌ها ممکن نیست.

از این جهت، نظام در این کشورها -با وجود اختلاف سلیقه‌ها و تبعیت‌ها- قاطعانه در دشمنی با انقلاب‌ها می‌ایستند و با اسالیب مستقیم و غیرمستقیم در برابر آن ایستادگی می‌نمایند. این کشورها سبب مستقیم انحراف انقلاب‌ها از راهکار آن‌ها و از بین بردن و پیچیده‌گردانیدن اهداف‌اش می‌گردند.

انقلاب شام آشکارترین مثال این حقیقت است و متوجه می‌شویم که چگونه همه کشورهای جهان چه خُرد و چه بزرگ، چه تابع و چه متبوع، چه قوی و چه ضعیف با انقلاب سر دشمنی دارند. همه کشورها از یک کمان انقلاب را نشانه گرفته‌اند و در رأس آن امریکا که همه راه‌های بازی را در دست گرفته، بر علیه انقلاب برنامه‌ریزی می‌کند و برنامه کامل و منظمی را برای از بین بردن آن ترسیم نموده است. هر کشوری در این بازی دارای نقشی است که از جانب امریکا به آن‌ها داده شده است. هم‌چنین به گونه مستقیم بعضی از ملیشه‌های مزدور را برای تحقق هدف خود به کار گرفته است. سپس بعضی از راه‌های حل کاذب و قوانین باطل از بقایای قوانین وضعی را برای انقلابیون به هدف پراکنده نمودن آن‌ها پیشکش نموده است و از این طریق نظام بشار را با همه وسایل و امکانات حفظ نمود، اسلحه را از انقلابیون منع کرد و کشورهای مزدور را بر انقلاب مسلط گردانید.

از این کشورها عده‌ای به‌گونه آشکار علیه انقلاب لشکرکشی نمودند؛ مانند: روسیه و ایران. تعدادی رهبری انقلاب را با نفوذ و مال‌های پلید خریداری کردند؛ مانند: سعودی، قطر و اردن. عده‌ای به وسیله رسانه‌ها با انقلاب دشمنی نمودند؛ مانند: مصر، الجزایر و مغرب و این کار را سبب اساسی فتنه و انتشار ناامنی و ریختاندن خون‌ها دانستند. تعدادی هم با شعارهای لفظی علیه نظام اسد تمایل انقلابیون را به خود جلب کردند و سپس تصمیم به خنجرزدن انقلاب گرفتند؛ مانند: ترکیه.

بزرگ‌ترین اشتباهی که انقلابیون و رهبران‌شان مرتکب گردیدند، میل‌شان به این کشورها و همکاری با آن‌ها بود و این همکاری کشتارگاه واقعی برای‌شان گردید. جیش الاسلام که ده‌ها هزار نیروی آموزش دیده با وی همراه بود، به چه سرنوشتی مواجه گردید؟ تانک‌ها، اسلحه، امکانات و ذخایرشان کجا شد؟ از سبب این میل‌شان به طرف سعودی بود که غوطه را تا مدتی حفظ کردند؛ سپس آن را به نظام اسد تسلیم نموده، رفتند و این مثالی است که با اکثر گروه‌های که روزگاری از جمله ستون‌های انقلاب به شمار می‌رفتند مطابقت دارد.

همکاری گروه‌ها با دولت‌ها و نظام‌های حاکم ممکن نیست که منجر به تغییر گردد؛ آن‌چه که فعلاً بین هیئت تحریرالشام و ترکیه جریان دارد؛ جز نمونه تکرار باطلی که با جیش الاسلام صورت گرفت نیست و در روزهای آینده منجر به زوال هیئت خواهد شد؛ چنان‌چه با سلف‌شان چنین شد و این نتیجه است که تخلف نخواهد شد.

نقش سعودی، قطر و هم‌چنان گروه‌های که با این کشورها ارتباط داشته و در گرو مال‌های سیاسی پلیدشان قرار گرفتند در ابتدای انقلاب افشا گردید و امروزه نقش ترکیه به وضاحت در حال افشا شدن است؛ زیرا تظاهرات بزرگی که صدای سقوط نظام را سر می‌دادند، راه‌اندازی گردید و نیروهای امنیتی ترکیه در سرحدات مرزی تلاش کردند تا به وسیله فیر مرمی و گاز، مظاهره‌چیان را پراکنده نمایند و حتی عام مردم که از جمله حامیان انقلاب هستند، حجم توطئه نظام ترکیه را بر انقلاب‌شان درک کردند؛ زیرا با چشم سر دیدند که چگونه بعضی از نقطه‌های نظامی ترکیه توسط افراد اسد محاصره گردید و اردوغان برای حفظ آبروی خود فوراً خود را به پوتین جنایت‌کار رساند و نقاط نظامی را که هیئت تحریرالشام برای حمایت نظام جنایت‌کار نشر نموده بود، از هجوم انقلابیون مصون بماند.

تصویری که با پوتین یکجا گردید و هر دو باهم آیسکریم نوش جان کردند، حکایت از ناکامی اردوغان و ناتوانی وی در سوریه دارد؛ شاید این آیسکریم درجه حرارتی را که از ناکامی سیاسی به وی دست داده بود کاهش دهد؛ سپس عموم مردم انقلابیون در سوریه به وی اهانت کرده، ندای سقوط وی را سر دادند و تصویر اردوغان را همراهی پوتین که هر دو باهم آیسکریم می‌خوردند در یکی از تظاهرات‌ها آویزان کردند و گفت: اگر مشکل شما به آیسکریم حل می‌گردد ما توانائی اعطای آن را داریم؛ پس چرا به روسیه مراجعه می‌کنید؟!

اردوغان سیاست کشوراش را به روسیه و امریکا فروخته است. در مورد ادلب و اطراف آن به اندازه سر انگشتی هم از تصامیم آستانه و سوچی تخطی کرده نمی‌تواند. اما نسبت به شرق فرات توان حرکت به اندازه یک سانتی متر هم بدون اجازه جنرال‌های امریکائی را ندارد. این یک حقیقت سیاسی است که هرکسی به اندازه ذره از سیاست آگاهی داشته باشد درک می‌کند. از این

جهت همکاری گروه‌های ملی و گروه‌هایی که نزد بعضی‌ها اسلامی محسوب می‌گردد؛ مانند: انس العبدہ رییس ائتلاف سوری، همکاری‌های‌شان همراهی سوریه؛ یعنی جدا شدن از انقلاب و رفتن پشت قدرت و چوکی که هیچ تغییر حقیقی را در پی نخواهد داشت؛ مانند: هیئت تحریرالشام که به خاطر جنگ با انقلابیون بزرگ‌ترین جنایت را انجام داد و تلاش برای انجام عمل نظامی به تنهایی دارد.

اما جای تعجب است که انقلاب شام با این همه خیانت‌ها و توطئه‌ها، بر اهداف خود ثابت و استوار باقی مانده است و شاید بهترین ثمره را که چشیده‌اند، افشای نظام‌های خیانت‌پیشه؛ مانند: ترکیه بوده است. هم‌چنین گروه‌های خائنی که آخرین‌شان هیئت تحریرالشام است که اعمالی شبیه نظام حاکم را مرتکب گردیده، اموال را مصادره نموده و افراد گروه‌های مخلصی؛ مانند: حزب‌التحریر را به زندان می‌اندازد و می‌کوشد تا صدای حق را خاموش نماید.

انقلاب شام از بین نخواهد رفت، ریشه‌های آن همیشه روشن خواهد بود، همیشه توان دوام را دارا بوده، سر پای خود ایستاد می‌شود، روز به روز به پخته‌گی می‌رسد، اهداف ثابتی را که حزب‌التحریر برای آن مشخص کرده بود، روز به روز روشن‌تر گردیده و رهبران مخلص آن به صفوف مقدم ایستاد می‌شوند. در نتیجه، امروزه انقلاب لباس‌های ذلت را از خود دور نموده، کوره نجاست‌های آن را از بین برده، هر روز راه خود را واضح گردانیده و برای رسیدن به هدف، گام‌های مطمئن خود را بر می‌دارد.

**نویسنده: ابو حمزه الخطوانی**

**مترجم: رامین بارز**

**۲۸ محرم ۱۴۴۱ ه.ق.**

**۲۵ سپتمبر ۲۰۱۹ م.**